

فتح بندر عباس و جزایر قشم و هرمز

۳- ترجمه نامه

از نایب سرهنگ فرانت به حاجی میرزا آقاسی بتاريخ اول محرم ۱۲۶۴ برابر با دهم دسامبر ۱۸۴۷

در ظرف چند روزه اخیر نامه‌هایی از نماینده مقیم انگلستان در بوشهر دریافت داشته‌ام که در آنها خاطر نشان نموده است که شیخ سیف‌حاکم بندر عباس نامه‌ای باو نوشته است که فضلعلیخان حاکم کرمان با تعدادی قشون بجوالی بندرعباس آمده‌اند و مقاصد دشمنانه‌ای دارند و متذکر شده‌اند که اگر هر گونه ترکتازی و حمله‌ای در منطقه تحت نظارت او پیش بیاید وی نمیداند چگونه باید رفتار کند. از آنجائیکه نماینده مقیم انگلستان نمیتوانست به شیخ سیف هیچگونه پاسخی در این باره بدهد مراتب را باینجانب احاله نموده است بنا بر این متمنی است نامه‌ای بفضلیعلیخان نوشته شود دایر بر اینکه اگر مقاصد دشمنانه‌ای نسبت به بندر عباس دارد بایستی از آن صرف نظر نماید و در امور بندرعباس مداخله‌ای ننماید زیرا در صورتیکه قهوه قهریه و هر گونه شدت عملی از طرف او بکار رود ممکنست منجر بعواقب وخیمی در آن صفحات گردد.

تمنی دارم نامه‌ای که بفضلیعلیخان نوشته میشود امر فرمایند باینجانب ارسال فرمایند تا برای نماینده مقیم انگلستان در بوشهر فرستاده شود.

۴- ترجمه نامه

از حاجی میرزا آقاسی بنایب سرهنگ فرانت - محرم ۱۲۶۴ برابر با دسامبر ۱۸۴۷ - نامه شمدار باره فضلعلیخان حاکم کرمان دریافت شد و از مفاد آن اطلاع حاصل گردید. در مورد پرمش که شمدار باره اقدامات سوق الجیشی فضلعلیخان نموده بودید موضوع از اینقرار است که برادر آقاخان محلاتی چون در یک مورد مقدم دیگری موجب شورش و ناامنی در آن صفحات شده و از آنجائیکه بموجب گزارشات رسیده امکان دارد که شخص آقاخان یا پیروانش بخواهند در آتیه نزدیکی مجدداً در آن صفحات شورش و ناامنی‌هایی بوجود آورند لذا بفضلیعلیخان مأموریت داده شده است تا قلعۀ بم فهل را مجهز نماید و بتقویت قوای آن حدود بپردازد تا در آن صفحات نظم و امنیت برقرار بماند و البته چنین اقدامات احتیاطی از طرف دولت ایران ضروری تلقی شده و هیچگونه دلیلی برای نگرانی شیخ سیف وجود ندارد. کشور ایران متعلق باعلیحضرت شاه ایران خلدالله ملکه و سلطانه است و بنا بر این این امور هیچ ربطی باو (یعنی شیخ سیف) یا بهر کس دیگری ندارد. لازمست کشور تقویت و مستحکم شود و در مقابل هر

گونه آسیب احتمالی محفوظ نگاهداشته شود تا مبادا از طرف اشخاص خائن و شورش طلب مورد حمله قرار گیرد و اگر وزیر اعلی حضرت هما یونی چنین اقدامات احتیاطی را معمول نمیداشتند بیم آن میرفت که شورش و ناامنی روز بروز زیادتر گردد و در همه طول و عرض کشور بروز کند. (۱) در تمام دوره میرزا تقیخان کار و امور مربوط به بندرعباس و جزایر قشم و هرمز و سایر بنادر خلیج همچنان بهمین منوال باقی بود و جز چندبار که در کتب ذکری از اعزاز نماینده‌ای یا دستورات عجیب برای وصول مالیات معوقه از شیخ سیف آمده است هیچ اقدام برای استرداد جزایر قشم و هرمز و بازگرداندن سواحل ملی که بتدریج حالت هرات را بخود می‌گرفت نشد و شاید یکی از دلایلی که روسها را وادار باشغال جزیره آشوراده در بحر خزر در عهد میرزا تقیخان امیر نظام نمود همین امر باشد که چرا انگلیسها در جزایر ساحلی ایران برای خود حق ساختن سر بازخانه و پایگاه دریائی گرفته‌اند و بالاخره بتلافی ایجاد پایگاه باسیدو در جزیره قشم - جزیره آشوراده نیز توسط روسها اشغال و بصورت سر بازخانه و پایگاه درآمد و شد آنچه شد .

قرعه یکسره کردن کار خلیج و آزاد کردن بندرعباس و جزایر قشم و هرمز را بفال میرزا آقاخان صدر اعظم نوری زده بودند. چون شیخ سیف را صید ثوینی فرزند امام مسقط بجانب خود خوانده و بندر هلاک کرد و برادرزاده او شیخ سعید خان را با شیخ عبدالرحمن قشمی که از ارباب دولت بود بحکومت بندرعباس فرستاد آنان مفرور شده محصلان دیوانی را عذر خواستند و اظهار اقتدار کردند از طرف دولت ایران بجاجی محمد رحیم خان مصلحت گزار سابق بمبئی که بسا امام مسقط سابقه دوستی داشت مأموریت داده شد که با قوای کافی عزیمت بندرعباس کند . شیخ سعیدخان محمد رحیم خان را فریب داده باو پیغام داد که تو حاکم و ما مطیع و منقادیم بقشون حاجتی نیست آنها را باز فرست او نیز فریب خورده قشون را باز فرستاد امام مسقط نیز از او دعوت کرد تا در محفلی حضور یابد و در همانجا فرمانداد تا او را دستگیر کنند و بجزیره هرمز بفرستند میرزا آقاخان صدر اعظم نواب والا فیروز میرزا نصرت الدوله را در سال ۱۷۶۹ بطهران احضار و بجای او نواب طهماسب میرزا مؤید الدوله را بفرمانفرمائی فارس گمارد. وی

۱- نقل از نامه‌های سیاسی در آرشیو سلطنتی انگلستان در لندن .

در عید اضحی سال ۱۲۶۹ وارد شیراز شد و بمحض ورود امر تسخیر بندر عباس داد شیخ سعیدخان علم مخالفت برافراشت و با استحکام بندرعباس پرداخت ۲۷۰ عراده توپ در آنجا نصب کرده و چند عراده توپ نیز از کشتیهای انگلیسی کمک گرفته و بقلعه آورد و بدین ترتیب شیخ سعیدخان با کمک و پشتیبانی اجانب موقعیت خود را مستحکم ساخت ولی قوای دولتی بالاخره پس از چندروز محاربه سخت بندرعباس را بتصرف خود درآوردند (جمادی الاخر ۱۲۷۰ برابر با ۱۸۵۴ میلادی) .

اما هنوز غائله پایان نرسیده بود زیرا در تابستان همان سال مجدداً صید ثوینی پسر سلطان مسقط از گرمای هوا استفاده کرده به بندرعباس تاخت و شهر را متصرف شد - بدستور صدراعظم از کرمان محمدحسن خان سردار ایروانی پسر خود عبدالله خان را با سپاهی روانه بندرعباس نمود و مؤیدالدوله بیز عبدالله خان صارم الدوله قراگوزلورا با دو فوج و توپخانه و سوارو استعداد کارزار روانه بندرکرد سپاه فارس و کرمان از دو طرف به بندرعباس حمله بردند و بالاخره آنرا تصرف کردند .

این واقعه در ربیع الاول سال ۱۲۷۱ اتفاق افتاد (یعنی در سال چهارم صدارت میرزا آقاخان صدراعظم نوری) در این موقع صید سعیدخان امام مسقط که کار را بر خود به سخت دید از در صلح و اطاعت پیش آمد نامه ای مبنی بر اظهار چاکری و بندگی به شاه نوشت و هدایای چند همراه حاجی عبدالله معتمد خود روانه دربار ایران کرد و حکومت آنجا را باسم خود استدعا نمود .

در سال ۱۲۷۲ بالاخره صدراعظم با سلطان مسقط بتوافق رسید و قراردادنامه ای تنظیم شد و شرایطی برای حکومت بندرعباس و جزایر قشم و هرمز و السیل و تازیان و شمیل - میناب و بیابان و بندر خمیر قید گردید و بعد از سالها این اراضی مجدداً رسماً بمالکیت ایران درآمد و با جاره بامام مسقط واگذار شد .

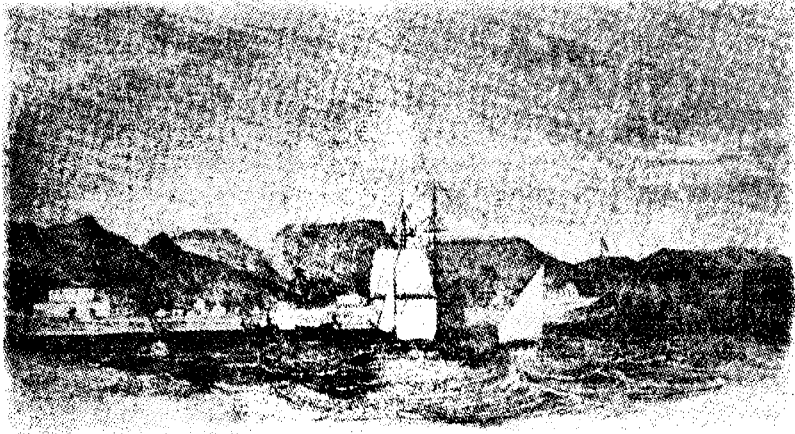
اکنون قبل از نقل متن قراردادنامه منعقد بین دولت ایران و سلطان مسقط به نقل نظر دونفر از سیاستمداران انگلیسی در باره این فتح و قرارداد و نتیجه آن میپردازیم .

کلمنت آر - مرخم در تاریخ ایران خود مینویسد : صید ثوینی مجبور شد

که به بهترین وجه ممکنه با ایرانیها کنار آید و بنا بر همین اصل قرارداد در آوریل سال ۱۸۵۶ میلادی برابر با ۱۲۷۲ هجری قمری بین ایران و سلطان مسقط منعقد گردید و بموجب آن اعلام گردید که بندرعباس و جزایر قشم و هرمز و میناب و سایر اماکن متعلق بایرانش و بامام مسقط اجازه داده شد که این اراضی را در مقابل ۱۶۰۰ تومان در سال (بجای ۶۰۰ تومان سابق) اجاره کند و حکامی برای مدت بیست سال برای این امر معین کند و این حکام همه زیر فرمان و مطیع حکمران فارس گردند و بعد از پایان بیست سال این امر بامکنه بدولت ایران باز میگردد و بادولت ایران است که تصمیم بگیرد که مجدداً آن محله‌ها را باجاره واگذار کند یا نکند - بنا بر این والی بندرعباس بدین نحو بصورت یک رعیت دست نشانده دولت ایران درآمد که فرمانفرمای شیراز نتوانست هر آن او را تعویض کند - گفته میشود که این قرار داد تحقیر آمیز قلب صید سعیده پیرزا که متحد باوفای انگلیس بود بسختی شکست و در راه بازگشت مسقط بزنگبار در روی عرصه کشتی خودش موسوم به «ویکتوریا» در ۲۹ اکتبر سال ۱۸۵۶ برابر با ۱۲۷۴ هجری از غصه دق کرده و مرد (۱)

ژنرال سایکس در تاریخ ایران خود مینویسد: «در اواسط قرن نوزدهم حکومت ایران تصمیم گرفت که اداره امور بنادر خود را مستقیماً بدست گیرد و از غیبت صید سعید خان سلطان مسقط که در زنگبار بوده استفاده کرده حاکم دست نشانده سلطان مسقط را تبعید نمودند و قشونی که از مسقط اعزام شده مجدداً بنادر ایران را تسخیر کرد ولی ایرانیان که قوای کمکی فراوانی دریافت داشته بودند برای صید سعید خیلی قوی بودند - بالاخره در سال ۱۲۷۲ هجری (۱۸۵۶) صلح برقرار شد باین شرط که امام مسقط حق داشته باشد تا بیست سال در بنادر مزبور زراعت کند - امروز تنها جایی که در خارج عمان در تصرف مسقط است شهر کوچک گوادر است که یکی از بنادر بلوچستان انگلیس میباشد. (۲)»

- ۱ - تاریخ ایران بقلم مرخم انگلیسی صفحه ۵۱۵ - ۵۱۴ .
- ۲ - تاریخ ایران ژنرال سایکس جلد دوم صفحه ۳۵۲ چاپ انگلیس



ب . « باسیدو » در جزیره قشم

چیزی که خیلی جالب توجه است و می‌رساند تا چه حد انگلیس‌ها سعی می‌کردند وضع بندرعباس و جزایر راحتی بعد از اینکه ایران آن‌ها را پس گرفته بود بحال اول برگردانند یکی از شرایط اولتیماتومی است که لرد کلارندن سفیر انگلیس در باغالی تسلیم فرخ‌خان نمود و در آن نوشته شده که در قرارداد راجع به بندر عباس و جزایر بارضای امام مسقط که دولت انگلیس است منعقد گردد . تاریخ این اولتیماتوم ۲۲ نوامبر ۱۸۵۵ (برابر با ربیع الاول سال ۱۲۷۲) میباشد.

در جمادی الثانی ۱۲۷۱ میرزا آقاخان صدر اعظم نامه زیر را که مربوط بواقعه فتح بندرعباس است بشاه مهنویسد:

قربان خاکپای اقدس همایونت شوم - از زیارت دستخط مبارک مباهات و افتخار حاصل نمود . در باب مال محجر جزیره قشم یقین است پس داده اند . حاجی عبدالمحمد ملک التجار هم بقدوی نوشته بود الحمد لله تعالی داده اند بجز آنچه با برام گرفتند - کاغذهایی که از همیشه میرزا صادق نوشته است بعد از آنکه بنظر مبارک رسید معلوم میشود که از این فتح بندر عباس چقدر بشکوه دولت علیه در خارج افزوده است (۱)

۱- اصل نامه در کتابخانه وزارت امور خارجه است .

اینک اصل قرارنامه نقل میگردد.

هو الله تعالی شانه وعظم سلطانه.

قرار نامه بندرعباس که در سنه لوی ئیل انعقاد یافته.

چون از هدایت طلوع نیر اعظم جهان افروز ایندولت قوی شوکت قاهره که بقرون ابد مقرون باد والیان دیشوکت و شان بندر مسقط و عمان هر یک از ایشان بادولت فیروزی شان بنحوی خاص سمت ارادت و اخلاص و جهت بستگی و اختصاص میداشتند و از آن پادشاهان خلد اشیا نارا لله برهانیم و اعلی الله مقامهم فی قرادیس الجنان مرحمت و عنایات ملوکانه میدیدند و بیاداش خلوص نیت و صفای طویت ایشان همت پادشاهانه و غیرت ملوکانه از نشر مراحم و بذل مکارم در حق آنها بهیچوجه من الوجوه مضایقت و غفلت نمیفرمودند تا در این عصر فرخنده که تا ابد پاینده باد که تاج و تخت سلطنت کبری بفر وجود ذیجود اعلی حضرت قدردرت قضا شوکت مریخ مهابت مشتری درایت سلطان الاعظم و خاقان الاکرم مالک الرقاب الامم غوث الدنیا و الدین غیاث الاسلام و المسلمین ملک الملوک - و السلاطین قهرمان الماء و الطین ظل الله الممدود و فی الارضین شاهنشاه دین پناه - السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان ناصر الدین شاه ظل الله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه زیب و زیور یافت بمقتضای الحب و البغض یقوارثان بتجدید سنت سنیه آباء تاجران گرام و احیای رسوم نیاکان ذوی الحشمة و الشوکه و الاحترام پرداخته همان مرحمت و عاطفت شاهانه را در باره جناب ابهت و نبالت نصاب و فخامت و مناعت انتصاب امارت و کفایت و درایت اکتساب عمده الوعدة النظام زبده الکفاة الفخام دوست محترم و الامقام صید سعیدخان امام با احتشام بندر مسقط و عمان مشهور و مبذول ساختند لیکن بواسطه بعضی سوانح که در غیبت جناب معزی الیه از برخی کارکنان و گماشتگان ایشان در بندرعباس رویداد و اهمال و اغفالی که در لوازم خدمتگذاری دولت علیه بظهور رسید چندی آفتاب عنایت ملوکانه در سحاب توافل بود تا در این زمان سعادت اقتران که جناب معزی الیه بمقتضای کفایت و کیاست و کاردانی و اقتضای خلوص نیت و وفور ارادت بستگی بدولت علیه بتدارک و تلافی مافات از در اخلاص و بندگی در آمده فرزند ارجمند خود صید ثوبنی را برسم معذرت و اظهار

ارادت به بندرعباس فرستاده بود بندگان عیوق شان اعلیحضرت شاهنشاهی روحفاده نیز رعایت احترام جناب معزی‌الیه را کما فی السابق منظور نظر مرحمت گستر فرموده از ابتدای هذه السنه میمونه لوی ٹیل سعادت تحویل لغایت مدت بیست سال حکومت بندر عباس وما یتعلق به را از جزایر بحریه و محال یمین و سامان و شمیل و میناب و بیابان و بندر حمیر که ملک مختص دولت علیه میباشد موافق قرار داد و شرایط مفصله ذیل بجناب معزی‌الیه محول و واگذار فرمودند که بهر يك اذمنتسیان خود که مصلحت بدانند واگذار نماید و جناب معزی‌الیه نیز قرارداد مینماید و تعهد میکند که مطابق فقرات ذیل رفتار نموده و جهامن الوجوه از فقرات شانزده گانه ذیل فرو گذاشت ننماید و اگر در یکی از شرائط مزبور فرو گذاشت نمایند اولیای دولت علیه مختار در استرداد محالات خواهند بود.

اول - آنکه حاکم بندرعباس باید تابع ایندولت باشد و مثل سایر حکام فارس در اطاعت فرمانفرمای فارس باشد و نوشته خدمت اولیای دولت علیه بسپارد که از تبعه دولت علیه ایرانم.

دوم - همه ساله مبلغ شانزده هزار تومان از بابت مالیات و پیشکش روانه دارالخلافه طهران از قرار تفصیل قسط بقسط کار سازی نموده و از کار گزاران دیوان سند بگیرد :

مالیات ر ۱۲۵۰۰ تومان پیشکش استمراری اولیای دولت علیه -
 ۲۰۰۰ تومان پیشکش فرمانفرمای فارس و کار گزاران ر ۱۵۰۰ تومان .
 سوم - خندقی که بنا گذارده در رود بندرعباس حفر مینمودند پرنمایند و بعد از این هم ابدأ خندق را حفر نمایند .

چهارم - مدت بیست سال اختیار حکومت آنجا با جناب امام مسقط و اولاد و امجاد او باشد . بعد از انقضای مدت بیست سال آنجاها را معمور و آباد بدولت واگذار نمایند . اگر در ثانی باز دولت خواستند حکومت آنجا را با امام مسقط و اولاد او واگذار نمایند باقتضای رافت فرمان و دستور العمل مجدد خواهند داد والا اختیار خواهند داشت که خود تصرف کرده حاکم دیگر بکمارند .

پنجم - بیدق دولتی با چند نفر مستحفظ بیدق و یک نفر تذکره چی همیشه در آنجا بوده و رعایت شرایط احترام بیدق دولتی را همیشه منظور دارند که هر ماه چار پار دولت علیه بجهت آوردن روزنامه و سرکشی بیدق دولت علیه و عملاً بیدق با آنجا بیاید و در ایام عید و روز مسعود مولود بندگان اقدس شهر یاری روحانفاده توپ شادی و مبارکباد را بلند آواز سازند .

ششم - حکام بندرعباس و رعایا و قاطبه ساکنین آنجا که در دست حاکم بندرعباس خواهند بود و در این چند سال خدمت بدولت کرده اند بهیچوجه در مقام ایذاء و اذیت و بیانه جوئی با آنها بر نیایند و کمال رعایت و سرپرستی از آنها بعمل آورند .

هفتم - حاکم بندرعباس هوای بندرعباس و جاهائیکه در عهد خاقان - خلد آشیان فتحعلیشاه مبرور در دست داشت زیاده از آن بجای دیگر دخل و تصرف نکند .

هشتم - هر وقت فرمانفرمای فارس با حکمران لارستان برسبیل تفرج و شکار خواسته باشند با آنجا بروند حاکم بندرعباس مثل سایر حکام شرایط خدمتگذاری بعمل آورده و استقبال و احترام و خدمت کرده باشند .

نهم - اگر برای حکام فارس قصوری در خدمتگذاری حاکم بندرعباس مشاهده نمود محض اخبار بجناب معزی الیه بدون عذر و اهمال فوراً او را معزول نموده حاکم دیگر که صلاح داند و در اطاعت حاکم فارس باشد بجای او بگمارد .

دهم - اگر برای حکام فارس یا کرمان جهت مهمی لازم شود که قشون بصفحات کج و مکران و بلوچستان بفرستند مثل سایر حکام ولایات در لوازم خدمت و رسانیدن سیورسات و بلد و بدرقه و غیره اهمال نکرده خود داری ننمایند .

یازدهم - هر گاه از رعایای لارستان و سبعمه و سایر ممالک یا از رعایای مملکت کرمان با آنجا بیایند و بان حدود فرارکنند محض اظهار و اعلام ضابط

آن محل بموطن اصلی خود معاودت دهد .

دوازدهم - این شروط قرار داد باجناب امام مسقط حی و حاضر اولاد و امجاد او است اگر متقلبی مالک عمان و مسقط شود دولت ابد مدت را باو شروط وقراری نیست .

سیزدهم - مادام که بندرعباس و جزیرتین و شمیل و میناب و سایر متعلقات

آنها در دست جناب امام مسقط است احدی از مأمورین دول خارجه را در

آنجا راه ندهند و متعهد شوند حفظ و حراست آنها را که در دست او است

براً و بحرأ با انضمام هر مکان و محلی که استعداد توقف جهاز و کشتی جنگی

و بقله داشته باشد و لنگر گاه بر آن صادق باشد که از خاک اولیای دولت علیه

مفوض باو است صراحتاً متعهد بشود که جمیع حدود و ثنور امکنه مذکور

را از مداخله و دستبرد غربا و اجنبی اعم از آنکه از راه دوستی یا دشمنی باشد

محفوظ بدارد و وقتاً من الاوقات بهیچوجه نگذارد يك کشتی و بقله و جهاز

و یکنفر محارب و دشمن با اسلحه یا بی اسلحه از عرب یا غیر عرب یا از دول

خارجه از حدود امکنه مزبوره بخیال عداوت و دشمنی یا بیبانه دیگر پابخاک

ایندولت یا بجاهائی که در دست حاکم بندرعباس است بگذارد .

چهاردهم - جناب امام مسقط حق ندارد که بندرعباس و ولایات مزبوره

را اگرچه بشرایط مسطوردهم باشد بدیگری اعم از دول خارجه و غیره واگذار

نماید مگر باید بموجب قرارداد بدست خود او باشد . یکنفر از کسان و منسوبان

او در بندرعباس و آنولایت از جانب او دخل و تصرف نماید لاغیر و بشرایط

مرقومه باید عمل نماید .

پانزدهم - ازقراری که تجارتبعه دولت ایران بعرض رسانیده اند پیشتر

شخص هندوئی مستأجر گمرکخانه مسقط عاملی از خود مقیم بندرعباس مینموده

است و تنخواه مال التجاره تجارتبعه دولت ایران را که در بندرعباس حمل

هندوستان و جای دیگر میشده عسور مسقط را در بندرعباس دریافت میکردند

و حال آنکه درهیچ دولتی و ولایتی چنین رسمی نیست تنخواهی که وارد ولایتی

شود. ذلك عشور آنولایت را از آن تنخواه اخذ و دریافت کنند چون این فقره بدعت و خلاف قاعده است لهذا جناب امام مسقط این فقره را باید موقوف بدارد تارفع این بدعت بعدالایوم بالمره شده باشد واجناس مال التجاره که از طرف بر و بحر وارد بندرعباس بشود بعدالایوم بنحوی که شیخ سیف خان در حال حیات خود عشور می گرفته بگیرند زیاده از سابق مطالبه عشور ننمایند.

شانزدهم - آنکه اموال محجره تجار ایران که در قشم است تمام و کمال تسلیم و کلای ایشان نمایند و قبض بگیرند تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۲ - بعداً که شیخ سعید بن احمد بن ناصر بحکومت بندرعباس از طرف شیخ عثمان طبق مفاد این قرارنامه تعیین شد نامبرده بشرح زیر اقرار تابعیت ایران نمود:

«بنده در گاه آسمان جاه سلطانی سعید بن احمد خود را از تبعه و چاکران

و بستگان دولت ایران صانها الله تعالی عن الحدثان میدانم حکومت بندرعباس و جزیرتین قشم و هرمز و شمیل و میناب و بیابان و عینین و تازیان که واگذار باین بنده در گاه آسمان جاه سلطانی شده است ممتهد است که تنخواه قسط دیوانی بندرعباس و سایر را موافق تشخیص در رقم مرحمت شیخ قسط بقسط بدون تعطیل کارسازی نمایم و اسناد خرج بجهت خود صادر کنم و در سرپرستی رعایا و آبادانی آنجا کمال اهتمام را بعمل آورم و امری را که منافی رأی اولیای دولت قاهره باشد بر آن اقدام نوزم و اگر خدای نخواستہ سهواً ترك اولی و خلاف حکمی از بنده صادر شود حکمش با اولیای دولت است با آنچه بفرمائید مختار ندحرر فی

۲۰ شعبان ۱۲۷۲ مطابق لوی ٹیل خیریت تحویل (۱)

أقر و اعترف اقل () من المطيعت لتابعیت بهذه الدولة العلية فی الاوامر والنواهي فی خدات الديوان اعلى ما تصدق للطاعة والاخلاص و اتصال الديوان قسط بعد قسط بلا اهمال كتبه اقل العبد سعید بن احمد بن ناصر حرر فی يوم ۲۰ شعبان ۱۲۷۲ محل مهر حاکم بندرعباس.

اینست یکی از صدها خدماتی که میرزا آقاخان صدراعظم نوری بایران نموده و اینها همه علیرغم و بر علیه منویات انگلستان و سیاست استعماری قرن نوزدهم آندولت میباشد.

قضاوت گذشتگان و اعمال آنها بدست ماست چه خوبست بدون غرض نسبت بگذشتگان خادم خود و اعمال آنها بتکریم و قضاات عادلی باشیم. نباید فراموش کنیم که اگر کمی دیر جنیبیده بودیم در جنوب ایران نیز اکنون يك مشت شیخ نشین های قدونیم قد بوجود آورده بودند.